

## رابطه بین سبک‌های شناختی با ابعاد شخصیت در دانشجویان

غلامحسین انتصار فومنی<sup>1</sup>

### مقدمه

تفاوت‌های یادگیری افراد تا حدی بستگی به هوش و تواناییهای آنها دارد و عوامل دیگر نظیر ویژگی‌های شخصیتی و دشواری تکلیف نیز در این امر دخیل هستند. سبک شناختی یکی از عوامل است که در تفاوت‌های یادگیری افراد نقش مهمی دارد. سبک شناختی، سطح هوش یا صفت شخصیتی نیست بلکه تعامل هوش و شخصیت است. تمایلات افراد در پردازش اطلاعات و ارتباط با محیط به منظور بهبود عملکرد بیانگر این مطلب است که هیچ سبک شناختی خوب یا بدی وجود ندارد. تفکیک افراد در سبک‌های مختلف تنها نوعی طبقه‌بندی است و به معنی برتری قدرت یادگیری گروهی بر دیگری نیست و بیشتر به بررسی اثر این سبک‌ها بر موفقیت در شرایط خاص دلالت دارد. حسینی لرگانی (1377) می‌نویسد سبک‌های شناختی شامل باورها یا اعتقادات، رجحان‌ها و رفتارهایی است که افراد به کار می‌برند تا در موقعیت‌های یادگیری به خود کمک کنند. سبک‌های شناختی بر خود یادگیری و شخصیت بر روی یادگیری تأثیر می‌گذارد.

شناخت به فرآیندهای درونی ذهنی یا راه‌هایی که در آن اطلاعات پردازش می‌شوند، اطلاق می‌شود (ییلر و استون، 1997). شناخت شامل تمام شیوه‌های تفکر انسان می‌باشد (هیلمگارد، 1371). راهبردهای شناختی، وسایلی شناختی هستند که برای انجام یک تکلیف شناختی و ابعاد آن و یافتن و اجرای راه حل آن به کار گرفته می‌شوند (کرازی و دولتی، 1375). روش‌های انفرادی مورد استفاده یادگیرنده برای پردازش اطلاعات در یادگیری مفاهیم تازه را سبک‌های یادگیری می‌گویند (سیف، 1387). سبک‌های یادگیری را می‌توان در سه دسته عاطفی، فیزیولوژیکی و شناختی طبقه‌بندی کرد.

وول فولک (2008) به طرق گوناگون ادراک و سازمان دهی اطلاعات سبک شناختی می‌گوید. به گفته کلب و فرای (1975) یادگیرنده برای اینکه مؤثر عمل کند به چهار نوع توانایی مختلف تجربه عینی، مشاهده تاملی، مفهوم‌سازی انتزاعی و آزمایش‌گری فعال نیازمند است. از ترکیب این‌ها تجربه عینی و مشاهده تاملی (چگونگی ادراک) با مفهوم‌سازی انتزاعی و آزمایش‌گری فعال (چگونگی پردازش) چهار سبک یادگیری حاصل می‌شود را نام‌گذاری کرده‌اند:

سبک یادگیری واگرا از ترکیب دو شیوه یادگیری تجربه عینی و مشاهده تاملی حاصل می‌شود. افراد دارای این سبک یادگیری توانایی بیشتری در مشاهده موقعیت‌های عینی دارند. واز قدرت تخیلی و احساسی بالایی برخوردارند. سبک یادگیری همگرا از ترکیب دو شیوه یادگیری مفهوم سازی انتزاعی و آزمایش‌گری فعال تشکیل می‌شود. افراد دارای این سبک یادگیری ترجیح می‌دهند که با مسائل و تکلیف‌های سرکار داشته باشند. وقتی با مسئله‌ای روبه‌رو می‌شوند به سرعت برای یافتن راه حل درست تلاش می‌نمایند. سبک یادگیری جذب‌کننده از ترکیب دو شیوه یادگیری مفهوم سازی انتزاعی و مشاهده تاملی حاصل می‌شود. افراد دارای این سبک یادگیری در یادگیری و درک اطلاعات گسترده و تبدیل آن به صورتی خلاصه، دقیق و منطقی توانا و به اندیشه‌ها و مفاهیم انتزاعی علاقه مند هستند. سبک یادگیری انطباق‌یابنده از ترکیب دو شیوه یادگیری تجربه عینی و آزمایش‌گری فعال به دست می‌آید. این افراد توانایی بیشتری در یادگیری تجارب دست اول دارند و امور محسوس را ترجیح می‌دهند.

آنچه بیش از همه در نظریات روان‌شناسان و در مباحث شخصیت مورد توجه قرار گرفته است، تفاوت‌های فردی است، یعنی ویژگی‌هایی که یک فرد را از افراد دیگر متمایز می‌کنند. براساس نظریه ایزنک چهار بعد شخصیت عبارت است از: برونگرایی، درونگرایی، نوروتیسم و سایکوتیسم.

سبک‌های یادگیری از این جهت در امر تعلیم و تربیت دارای اهمیت است که به مرئوس جهت فهم چگونگی یادگیری در دانش آموزان و دانشجویان کمک می‌کنند. رحمانی شمس (1379) از پژوهش خود نتیجه گرفت که بیشتر دانشجویان علوم انسانی دارای سبک انطباق‌یابنده، دانشجویان پزشکی دارای سبک جذب‌کننده دانشجویان فنی- مهندسی دارای سبک واگرا و جذب‌کننده و دانشجویان هنر دارای سبک همگرا بودند، به علاوه معلوم شد بین سبک‌های شناختی و ابعاد درون‌گرایی و برونگرایی رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین حسینی لرگانی (1377) نتیجه گرفت که بیشتر دانشجویان رشته پزشکی دارای سبک یادگیری جذب‌کننده دانشجویان فنی- مهندسی دارای سبک یادگیری واگرا و دانشجویان علوم انسانی دارای سبک یادگیری انطباق‌یابنده هستند و بین سبک‌های یادگیری زنان و مردان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. هینکل نتیجه گرفت که بین سبک‌های یادگیری و تفاوت‌های شخصیتی ارتباط معناداری وجود دارد (رحمانی شمس، 1379). کلب (1985) دریافت دانشجویان رشته بازرگانی دارای سبک یادگیری انطباق‌یابنده، دانشجویان فنی- مهندسی دارای سبک همگرا و بیشتر دانشجویان رشته‌های علوم انسانی دارای سبک واگرا و در برخی موارد دارای سبک جذب‌کننده بودند. هیکسون و پالتیمور (1996) نشان دادند که سبک شناختی زنان و مردان متفاوت است. نایت و همکاران (1997) نیز نتیجه گرفتند که سبک شناختی زنان و مردان با هم متفاوت می‌باشد. فریتز به این نتیجه رسید که همبستگی بالایی بین سبک‌های یادگیری و تیپ‌های شخصیتی در یادگیرندگان وجود دارد (رحمانی شمس، 1379). سیمون، فونتانا و یلیانز (1986) بین شخصیت و سبک‌های یادگیری دانشجویان رابطه وجود دارد (نقل از همایونی، 1380). رووین (1383) گزارش نمود که بین سبک‌های شناختی با عوامل شخصیتی، جنسیت و گروه‌های تحصیلی تفاوت وجود دارد. بین نتیجه گرفت که

افراد دارای سبک انطباق‌یابنده به برون‌گرایی افراد دارای سبک جذب‌کننده به درون‌گرایی تمایل دارند (نقل از رحمانی شمس، 1379). جکسون و جونز (1996) نتیجه گرفتند بین برونگرایی با سبک یادگیری انطباق‌یابنده همبستگی مثبت و با سبک یادگیری جذب‌کننده همبستگی منفی وجود داشت (رحمانی شمس، 1379). فرهادی (1373) گزارش کرده است که جنسیت در سبک‌های شناختی تأثیر دارد. مساواتی آذر (1381) به این نتیجه رسید که بین سبک‌های شناختی دانشجویان مرد و زن تفاوت وجود دارد. رضایی (1378) نیز نتیجه گرفت که سبک‌های شناختی زنان و مردان متفاوت است. کرمی (1382) به این نتیجه رسید که بین سبک‌های یادگیری زنان و مردان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. خاکسار بلداجی (1384) نتیجه گرفت که بیشتر دانش‌آموزان رشته ریاضی فیزیک دارای سبک یادگیری واگرا، علوم تجربی دارای سبک جذب‌کننده و علوم انسانی دارای سبک انطباق‌یابنده می‌باشند. بین سبک‌های یادگیری و جنسیت دانش‌آموزان ارتباط معناداری وجود نداشت. تحقیقات نشان می‌دهد همه عناصر سبک‌های شناختی حداقل با یکی از ابعاد شخصیتی در ارتباط می‌باشند. با مشخص شدن ارتباط بین سبک‌های شناختی و ابعاد شخصیتی همان گونه که در تحقیقات افرادی مانند جکسون و جونز (نقل از همایونی، 1380) مشخص شده است علاوه بر اینکه می‌توان در برنامه ریزی و مشاوره‌های تحصیلی راهبردهای مفیدی ارائه نمود، در جهت دهی سیستم آموزشی کشور نیز مؤثر خواهد بود. براساس آنچه گفته شد هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه بین سبک‌های شناختی با ابعاد شخصیت دانشجویان بود.

### روش

شرکت کنندگان: 1069 نفر دانشجویان مقطع کارشناسی آموزش معلمان دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان در سال تحصیلی 88-87 بود که از میان آنان 100 نفر (60 نفر زن و 40 نفر مرد) در سه رشته آموزش ابتدایی، الهیات و ادبیات به عنوان نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی (با توجه به جنسیت و تعداد آنان) انتخاب شدند. تحقیق حاضر از نوع تحقیق پیمایشی می‌باشد. ابزار: اطلاعات مربوط به سبک شناختی با استفاده از پرسشنامه سبک‌های یادگیری کلب و اطلاعات مربوط به ابعاد شخصیت با استفاده از پرسشنامه شخصیتی ایزنک جمع‌آوری شد. اعتبار هر چهار مقیاس سبک‌های یادگیری کلب بین 0/69 تا 0/77 گزارش شده است (رحمانی شمس، 1379). اعتبار پرسشنامه شخصیتی ایزنک، نوروتیسم 0/80، برونگرایی- درونگرایی 0/64، سایکوتیسم 0/69 و دروغ‌سنجی 0/56 می‌باشد. این پرسشنامه از روایی لازم نیز برخوردار است.

### یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد که بین برونگرایی با سبک‌های شناختی  $(F=9/7, p < 0/01)$  و بین درون‌گرایی با سبک‌های شناختی  $(F=5/8, p < 0/01)$ : تفاوت معناداری وجود دارد. دانشجویان برون‌گرا عمدتاً از سبک‌های شناختی واگرا و انطباق‌یابنده، و دانشجویان درون‌گرا عمدتاً از سبک‌های شناختی همگرا و جذب‌کننده استفاده می‌کنند. از نظر سبک‌های شناختی مورد استفاده بین دانشجویان دارای سایکوتیسم زیاد و سایکوتیسم کم و نوروتیسم زیاد و نوروتیسم کم تفاوتی مشاهده نشد؛ از نظر سبک‌های شناختی مورد استفاده بین دانشجویان رشته‌های تحصیلی مختلف  $(p < 0/01)$  و دانشجویان دختر و پسر تفاوت مشاهده شد  $(p < 0/05)$ ،  $(x^2=19/7)$ ،  $(x^2=8/47)$

### جدول 1

توزیع فراوانی و نتایج آزمون F و X<sup>2</sup> سبک شناختی دانشجویان برحسب جنسیت و رشته تحصیلی

سبک‌ها/گروه‌ها	همگرا	واگرا	جذب‌کننده	انطباق‌یابنده	جمع
زن	23	8	19	10	60
مرد	18	5	11	6	40
جمع	41	13	30	16	100
آموزش ابتدایی	16	8	16	10	50
الهیات	12	3	7	3	25
ادبیات	13	2	7	3	25
جمع	41	13	30	16	100
نوروتیسم					F p
					<0/05
سایکوتیسم					F p
					>0/05
برونگرایی					F p
					<0/
درونگرایی					F p
					<0/
رشته‌های تحصیلی					X <sup>2</sup> p
					<0/
جنسیت					X <sup>2</sup> p
					<0/

### بحث و نتیجه‌گیری

بر مجموع نتایج حاکی از آن است که بین سبک‌های شناختی دانشجویان در ابعاد درون‌گرایی و درون‌گرایی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. این یافته مطابق با یافته‌های رحمانی شمس (1379)، بین (نقل از رحمانی شمس، 1379)، حسینی لرگانی (1377) و فریتز (نقل از رحمانی شمس، 1379)، رووین (1383)، سیمون، فونتانا و یلیانز (1986) و جکسون و جونز (1996) است. تفاوت بین سبک‌های شناختی در رشته‌های مختلف تحصیلی نیز معنادار است، به گونه‌ای که دانشجویان رشته الهیات بیشتر دارای سبک همگرا، رشته ادبیات بیشتر دارای سبک انطباق‌یابنده و رشته آموزش ابتدایی بیشتر

دارای سبک واگرا بودند. این یافته مطابق با یافته‌های رحمانی (1379)، هینکل (نقل از رحمانی، شمس (1379)، فریتز (نقل از رحمانی، شمس؛ 1379)، خاکسار بلداجی (1384) و کلب (1985) و رویین (1383) دارد.

نتایج همچنین نشان داد که بین سبک‌های شناختی مردان و زنان تفاوت معنی داری وجود دارد، به طوری که زنان بیشتر دارای سبک انطباق یابنده و مردان اکثراً دارای سبک همگرا هستند. این یافته مطابق با یافته‌های فرهادی (1373)، مساواتی آذر (1381)، بین (نقل از رحمانی، شمس؛ 1379)، رویین (1383)، هیکسون و بالتیمور (نقل از رحمانی، شمس؛ 1379)، نایت (1997) و رضایی (1378) دارد و مغایر با یافته‌های حسینی لرگانی (1377) و خاکسار بلداجی (1384) است.

بنابراین در کل می‌توان نتیجه گرفت که سبک‌های شناختی بخشی از شخصیت افراد هستند و به جای سعی در تغییر سبک‌ها یا نادیده گرفتن آنها، بهتر است مربی بکوشد تا آنجا که امکان دارد شرایط و روش‌های مختلف متناسب با سبک‌های مختلف را در آموزش و کلاس‌داری خود بکار بندد (سیف، 1387). هر یک از فراگیران با سبک شناختی خاصی به انجام تکالیف و یادگیری موضوع‌های مختلف می‌پردازند. بطوری که هر معلم باید آماده باشد تا با هر یک از فراگیران خود برخوردی متناسب با سبک شناختی او داشته باشد. بنابراین می‌توان گفت که سبک‌های شناختی هم بر روش آموزش معلمان تأثیر می‌گذارد و هم به فراگیران کمک می‌نمایند تا در موقعیت‌ها و انجام تکالیف مختلف سبک‌های شناختی مناسب را بکار بندند و بیشترین استفاده را در یادگیری ببرند.

### منابع

تقوایی نیا، علی (1381). بررسی رابطه بین سبک‌های شناختی، اضطراب ریاضی با عملکرد ریاضی در دانش آموزان پسر سال اول دبیرستان‌های منطقه 7 شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم تهران.

حسینی لرگانی، سیده مریم (1377). مقایسه سبک‌های یادگیری دانشجویان سه رشته علوم انسانی، پزشکی و فنی - مهندسی دانشگاه‌های شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.

رحمانی شمس، حسن (1379). مقایسه تیپ‌های شخصیتی و سبک‌های یادگیری مرد و زن چهار رشته تحصیلی پزشکی، فنی - مهندسی، هنر و علوم انسانی دانشگاه. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.

رضایی، اکبر (1378). مقایسه سبک‌های یادگیری دانش آموزان و دانشجویان گروه‌های علوم انسانی و ریاضی مدارس و دانشگاه‌های شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.

روئین، حسین (1383). بررسی رابطه بین سبک‌های شناختی با عوامل شخصیتی دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه تبریز. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز.

سیف، علی اکبر (1387). روانشناسی پرورشی. تهران: دوران.  
مساواتی آذر، پریسا (1381). بررسی رابطه سبک‌های شناختی با منبع کنترل دانشجویان. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز.

همایونی، علیرضا (1380). بررسی رابطه بین سبک‌های یادگیری و سبک‌های شناختی و نقش آن در انتخاب رشته تحصیلی دانش آموزان سال دوم دبیرستان گروه‌های علوم ریاضی و انسانی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم تهران.

Hickson, J., & Baltimore, M. (1996). Gender related learning style patterns of middle. *Psychology International*, 17,

Biehler, R & Snowman, J. (1997). *Psychology Applied to Teaching*. Houghton Mifflin Company.

Kolb, D. (1985). *Experiential learning: Experience as the source of learning and development*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.

Knight, K.H., Elflein, M.H. and Martin, M.B. (1997). Relationship of connected and separate knowing to the learning styles of Kolb, formal reasoning, and intelligence. *Sex Roles* 37, 401-414.

Woolfolk, A. (2008). *Educational psychology*. Boston, MA: Allyn & Bacon.